انترناسیونال 813

خلیل کیوان

**از ماری آنتوانت تا علاالدین بروجردی: نمایش یک حماقت**

علاالدین بروجردی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس سه شنبه سوم اردیبهشت (23 آوریل) میگوید: " اگرچه مردم از افزایش قیمت‌ها ناراضی هستند و اعتراض می‌کنند اما حجم خریدها نیز در این مدت بیشتر شده است". بدنبال آن اضافه میکند که: «اگر مردم خرید نکنند، قیمت بسیاری از کالاها ارزان می‌شود.». عجب!

گفته هایی در تاریخ ماندگار میشوند. این گفته بروجردی از جمله آنهاست. این نوع عبارات از یک طرف فاصله بالایی ها از پائینی ها را نشان میدهد و از طرف دیگر عجز حکومتی ها از درک واقعیات را بنمایش میگذارد.

اظهاراتی از این دست آشنا و کلاسیک اند. وقتی که سران و چهره های رژیم های در حال احتضار، از واقعیات و مردم بیشتر فاصله میگیرند، حماقت خود را هم، بیش از پیش بنمایش میگذارند. معروف است وقتی که در ماه ژوئن سال ١٧٨٩ و در آستانه انقلاب فرانسه، ماری آنتوانت ملکه لویی، از کاخ ورسای صدای مردم گرسنه را شنید، پرسید: مردم چرا ناراضیند؟ و در جواب وقتی میشنود که بخاطر گرانی نان است، میگوید : "اگر نان ندارند بروند کیک بخورند! ". این گفته ماری آنتوانت یکی از مشهورترین و تاثیرگذارترین عباراتی شد که باعث تحریک بیشتر مردم پاریس شد و در تاریخ هم ماندگار شد.

حکومت پهلوی هم ماری آنتوانت های خود را داشت. هویدا یکی از آنها بود. در سال های پایانی حکومت پهلوی، خبرنگاری از هویدا در باره گرانی و فساد رو به رشد سئوال میکند، او در پاسخ برای مقابله با گرانی نان میگوید: مردم نان نخرند! نخست وزیر تحصیل کرده و بسیار دانشور حکومت پهلوی خبر نداشت که نان پایه غذایی اکثریت مردم است و بدون آن امورشان نمیگذرد. این اظهار نظر هویدا با استهزا و تمسخر عموم مواجه شد، و البته مردم را هم جری تر کرد.

تاریخ تکرار میشود. حکومت اسلامی هم ماری آنتوانت ها و هویدای های خود را دارد. علاالدین بروجردی یکی از آنهاست. ایشان از مقامات کلیدی حکومت است؛ به مدت ١٤ سال تا تیرماه ٩٧ رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بوده است، و اکنون نیز عضو این کمیسیون است. وی به اقتضای جایگاهی که در دستگاه حکومتی دارد و بخاطر اینکه دستی بر آتش اقتصاد، سیاست، امنیت و بالطبع مسائل اجتماعی دارد، قاعدتا باید بداند که فقر چیست، حقوق های یک چهارم و یک پنجم زیر خط فقر یعنی چه، و بلاخره فکر شده حرف بزند. اما دست خودش نیست. او فقط یک عارضه سیاسی را بروز میدهد: دو پارگی واقعیت و تعقل. او دچار شیزوفرنی سیاسی شده است و سیندروم گسیختگی افکار و توهمات سران حکومت را بنمایش میگذارد.

او برای اثبات ادعای خود به اطلاعات، آمار و ارقامی رجوع نداده است، به تحلیل از وضعیت اقتصادی رو نمیکند و به گزارش مستندی از وضعیت خرید مردم و زندگی آنها اشاره نمیکند. ادعای او با کمترین استدلالی همراه نیست. او فقط حرف مفت میزند.

جواب ایشان را هر کسی که با اطلاعات و آمار و ارقام سر و کار داشته باشد، یا دانش مختصری از واقعیات و کارکرد اقتصاد ایران داشته باشد و یا بهتر از همه آن90 درصدی از مردم که با حقوق های زیر خطر فقر زندگی میکنند، میتوانند بدهند. کارگری که حقوقش یک چهارم و یک پنجم زیر خط فقر است جوابش را میدهد. آن 60 درصدی که حتی بنا بر آمار متخصصین دولتی زیر خط فقر زندگی میکنند، جوابش را میدهند.لازم نیست کسی اقتصاد دان باشد که بفهمد این گفته ایشان پوچ است.

اینها از بدیهیات است. بنابراین ایشان با بیان اینکه مردم باید خرید نکنند تا همه چیز ارزان شود، فقط حماقت خود را بنمایش میگذارد و نمک بر زخم مردم میپاشد و آنها را تحریک میکند. این نوع اظهارات را باید در زمره آسیب شناسی حکومت در حال احتضار و نشانه های آتشفشان انقلابی که در راه است و میرود که ماری آنتوانت های ایران را از کاخ هایشان بیرون بکشد، درک و ثبت کرد. تا آنزمان باید برای مبارزه با گرانی به گرد پرچمی که تشکل های معلمان و تشکل های کارگری برای افزایش دستمزد به سطح 7 میلیون برافراشته اند، حلقه زد و با سازماندهدهی تشکل های سراسری از جمله شوراهای سراسری مبارزاتی در این راه گام برداشت.\*